

ویژگی‌های زبانی، نگارشی و دستوری نامه‌های عهد قاجار؛ با محوریت بررسی قائم مقام و امیرکبیر

حمیده مظهری آزاد*

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۱۳

مریم شایگان**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۵/۱۹

چکیده

در دوره قاجار به دلیل کمبود وسایل ارتباط جمعی از یک سو و گسترش سطح عمومی سواد از سوی دیگر باعث شد تا احوالات افرادی از طبقات مختلف (شاهان و شاهزادگان، طلاب و روحانیون، تحصیلکرده‌های روشنفکر، شاعران و نویسندگان و حتی مردم عامی) مطرح، بلکه بسیاری از مسائل روز در نامه‌ها بیان گردد که در مکاتبات رسمی و اداری به دلیل مسائل امنیتی و سری، کم‌تر به آن پرداخته می‌شده است. این دوره در حالی که از منظر تاریخی، نثر فارسی در حال گذار از نثر مصنوع به نثر فنی بوده؛ از منظر فرهنگی، اجتماعی نیز نامه نگاری از انحصار شاهان، وزرا، ادیبان و اهل فضل خارج شده و عامه مردم نیز به نامه نگاری روی آوردند. این پژوهش در تلاش است تا با شناسایی نوع نگارش، اصطلاحات و تعابیر ادبی به کار رفته و اندیشه و مضامین انواع نامه‌های بر جای مانده از عهد قاجار، نقش و جایگاه نامه و نامه نگاری را در نثر فارسی مورد بررسی قرار دهد.

کلیدواژه‌گان: نامه نگاری، قاجار، قائم مقام فراهانی، امیرکبیر.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

** استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

مقدمه

آثار به جا مانده از دوره قاجار که یکی از دوره‌های باارزش از نظر ترسّل و نامه نگاری به حساب می‌آید، اوج این فن و کتابت را نشان می‌دهد. فرمان‌ها، عقدنامه‌ها و مکاتیب پادشاهان قاجاریه با منشیان خود و به تبع آن حاکمان منطقه‌ای در ولایات مختلف که شکوه قلم و اندیشه آنان را نمایان می‌سازد. با بررسی اسناد و نامه‌های باقیمانده در کتابخانه‌ها و موزه‌ها که بسیاری از آن‌ها در مطبوعات و مجلات باز نشر یافته‌اند، با حجم انبوهی از نامه‌های دوره قاجار مواجه می‌شویم، برخی از این نامه‌ها، نامه‌هایی است که بین شاهان و وزرا مبادله می‌شده است (مانند نامه‌های *قائم‌مقام فراهانی* و *امیرکبیر* به شاهان قاجار)، برخی دیگر نامه‌هایی است که بین شاهان و روحانیت مبادله شده است (مانند نامه‌های *میرزای قمی* به شاهان قاجار). برخی از نامه‌ها به مقاصد بیرون از ایران فرستاده شده و یا از بیرون ایران دریافت شده‌اند (مانند نامه‌های مبادله شده بین *ناپلئون* و شاهان قاجار) و بالأخره برخی از دیگر نامه‌ها که در بین افراد تحصیل کرده عادی مبادله شده است و حاوی مضامین عاشقانه و... است.

آثار نثری (مکاتیب و رسائل؛ اخوانیات و سلطانیات و دیوانیات و...) که با گذشت زمان به دست ما رسیده است، حاصل تلاش و قلم زنی نوابغ و ادیبان نام‌آور و بزرگی است که در ادوار مختلف تاریخ ادبیات فارسی در رشد و گسترش نامه و نامه‌نگاری نقش بسزایی داشته و بسیاری از آن‌ها به واسطه قدرت قلم و شهرت نشر خویش، در زمان خود به اعتبار و جایگاهی والا دست یافته‌اند.

پیشینه پژوهش

اگرچه تا کنون هیچ مطالعه جامع و مستقلی درباره ارزش ادبی و ویژگی‌های سبکی نامه‌های عهد قاجار انجام نیافته است اما می‌توان به برخی از مطالعات و آثاری که تا حدودی نزدیک و مرتبط به این پژوهش هستند اشاره کرد. در حوزه مطالعات دانشگاه، *پورعلی* (۱۳۶۲) در پژوهشی به بررسی تحول در نامه نگاری از عهد قاجار تا کنون (تا زمان نگارش پژوهش) پرداخته است. پژوهش او بیش‌تر به سیر تاریخی و گزارش اتفاقاتی که منجر به ایجاد تغییر در نامه‌نگاری در اواخر عهد قاجار و دوران پهلوی شده

است می‌پردازد، و بررسی و تحلیل سبک و ارزش‌های ادبی نامه‌های عهد قاجار از چشم پژوهشگر به دور مانده است. در پژوهش دیگری که مرتبط با این مقاله انجام شده است، مهرآذر (۱۳۵۶) نامه‌نگاری در ادب فارسی تا پایان قرن پنجم هجری را مورد تفسیر و تحلیل قرار داده است. در مجموع پس از جست‌وجو در منابع موجود در سال‌های اخیر و بر طبق اصول جدید پژوهش، مقاله‌ای که به نامه‌نگاری در عهد قاجار یا حتی دیگر دوره‌های ادبیات فارسی اختصاص یافته باشد، مشاهده نگریده است. در حوزه مقالات و پژوهش‌های علمی، مردانی (۱۳۷۷) در بخشی از مقاله پژوهشی خود با عنوان «ترسل و نامه‌نگاری در ادب فارسی»، به جایگاه قائم مقام فراهانی (به عنوان یکی از نامه‌نگاران عهد قاجار) اشاره کرده و بدیعی (۱۳۷۳) در مقاله خود به بررسی نامه فتحعلیشاه قاجار به فرزندش عباس میرزا با رویکردی تاریخی پرداخته است. دانش پژوه (۱۳۴۱) در مقاله خود به تحلیل و بررسی نامه فتحعلیشاه قاجار به میرزا ابوالقاسم محقق گیلانی قمی پرداخته است.

سیر تحول و تأثیر نثر قائم مقام در عهد قاجار

ترسل و نامه‌نگاری در دوره قاجار ادامه نثر دوره صفوی و نادری است. عصر قاجار از سویی بر تکلف و تعلق بیان و زبان افزود و از سویی برخی از نویسندگان این دوره، تمایل بازگشت به سبک‌های ادوار پیش از صفویه، خصوصاً بعد از عهد ناصری را پیدا کردند. اگرچه در این بازگشت، به شعر توجه بیش‌تری شد و نثر از توجه کافی برخوردار نگشت، ولی با همه این‌ها شیوه‌های نویسندگی در دوره ناصرالدین شاه نسبت به دوره کریم‌خان زند و آغا محمدخان و فتحعلیشاه تغییرات بسیاری نمود. در عهد قاجار پیرو قرون اولیه هجری که در آن متقدمان از ارباب ادب و بلاغت عرب، نثر را به خطابه و ترسل تقسیم می‌کردند، پیروی می‌شد.

«تدوین منشآت فارسی از دوره غزنویان آغاز گردید و در دوره سلجوقیان به کمال خود رسید که در دوره صفویان با فراتر رفتن از مرزهای ملی در کشورهای هند و آسیای صغیر جایگاه خود را محکم نمود و در زمان قاجار نیز در فرمان‌ها، عقدنامه‌ها و مکاتیب به افراط گرایید. شاید اگر کوشش‌های قائم‌مقام و امیر نظام گروسی و... نمی‌بود این کار در حفظ اعتدال به نتیجه مطلوب نمی‌رسید» (حسن زاده، ۱۳۸۸: ۵۳).

همانطوری که در دوره بازگشت، گروهی از شعرا گرد آمدند و برای اصلاح شعر به چاره‌جویی پرداختند و در صدد احیای سبک‌های ادوار گذشته برآمدند، عده‌ای هم به اصلاح نثر فارسی روی آوردند، با اینکه در اوایل دوره قاجار سبک نثر فارسی دچار هرج و مرج شد و عده‌ای به پیروی از نثر فنی و مصنوع پرداختند، نویسندگانی چون قائم مقام فراهانی، امیرنظام گروسی، میرزا محمدتقی سپهر، عبداللطیف طسوجی، طالبوف، میرزا ملکم خان و بسیاری دیگر از نویسندگان باذوق نیز، به تدریج نثر فارسی را از لفافه و پیچیدگی‌های لفظی و معنوی بیرون آوردند و ساده‌نویسی را رواج دادند.

«قائم‌مقام احیا کننده نثر فارسی در دوره قاجار است و باید او را یکی از نقاط عطف در تاریخ نثر فارسی دانست. درحقیقت اگر قائم مقام نبود، نثر فارسی چنانچه باید در دوره مشروطه تحول پیدا نمی‌کرد و بعد از آن در دوران جدید به این صورت تبدیل به نثر ساده و درست امروزی نمی‌شد» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۴۱).

«کار عمده قائم مقام آن بود که نثر فارسی را از پیچ و خم عبارت‌پردازی‌های رایج بیرون آورد و اگر در منشآت او هنوز نشانه‌هایی از صنعت و عبارت‌پردازی هست، از آن روست که در عهد او فکر بازگشت ادبی، ترک تمام شیوه‌های نثر فنی را مجاز نمی‌دانست. در دوره‌ای که امثال عبدالرزاق بیک دنبلی می‌خواستند نثر فارسی را به شیوه جهانگشای جوینی و راحة الصدور راوندی بازگردانند، نمی‌توانست از سبک متعادل و روان گلستان پافراتر نهد. در محیط عصر بازگشت ادبی، رهایی از تمام قیود انشای پیشینیان نه ممکن بود و نه سلیقه ابنای عصر هنوز آن را تحمل می‌کرد. با وجود این، اخوانیات که سرمشق بعضی از نویسندگان بعد از او نیز شد، لطف و ظرافت ویژه خود را داشته که با وجود فخامت انشا به خواننده لذت انس می‌بخشد و آنچه را در تعبیر عوام احساس صمیمیت و خودمانی بودن خواننده می‌شد، حتی به آن‌ها که از فهم لطایف این شیوه بیگانه بودند نیز، لذت می‌داد و این خود هنر ارزنده‌ای بود» (زرین کوب، ۱۳۷۵: ۱۸).

«آنچه که نثر قائم مقام را از شیوه پیشینیان و به طور کلی دیگران متمایز می‌کرد، استفاده او از جمله‌های کوتاه و قرینه‌هایی است که به ندرت تکرار می‌شود. در تلفیق هر مزدوج زیاد دقت می‌کند و از سجع‌های زیبایی که خاص گلستان سعدی است، بهره مند

می‌شود، از ذکر القاب و عناوین و تعریف‌های تملق‌آمیز تا حد ممکن اجتناب می‌ورزد و کم‌تر از دیگران به اشعار فارسی و عربی، اخبار و آیات و احادیث که شیوه نویسندگان پیشین بود، تمسک می‌جوید و گاهی از آوردن لغات و اصطلاحات تازه و متداول که بکار بردن آن برای منشیان و نویسندگان محافظه کار بسیار دشوار بود، پروا نمی‌کند. نامه‌های او نسبت به رسم و عادت آن زمان جامع‌تر و فشرده‌تر و به ویژه در مواردی که مایل نیست مطلبی را صریح بنویسد، موجز و کوتاه و با مقام و مقال متناسب و مانند گلستان سعدی زیبا، روان و آهنگین است» (آرین پور، ۱۳۷۹: ۱/۶۶).

قائم مقام *فراهانی* از افرادی است که در احداث سنگ بنای تحولات در نثر فارسی نقش عمده‌ای دارد و بر کسی پوشیده نیست که او از مبدعان و متفکران نوگرا در ایران محسوب می‌شود. «قائم‌مقام نثر فارسی را که در آن زمان پر از مبالغه و تملق و عبارت‌پردازی‌های عربی مسجع، پیچیده و دور از ذهن بود و روز به روز در فرمان‌ها و مراسلات رو به انحطاط می‌رفت به نثر فصیح و روان برگردانید و پس از او بسیاری از منشیان دوره قاجار، سبک او را تقلید کرده و به روش او به نگارش پرداختند. او در شعر نیز استعداد شگفت‌آوری داشت اما اثر جاویدان او منشآت اوست» (فضایلی، ۱۳۶۲: ۶۲۹-۶۳۰).

با توجه به اینکه ساده‌نویسی در نثر این دوره و به خصوص ساده‌نویسی در نامه‌نگاری این دوره صورت پذیرفته است. *قائم مقام فراهانی* به عنوان محور جریان ساده‌نویسی در این دوره در نامه‌ای به ساده‌نویسی اشاره کرده و بیان داشته که از الفاظ تازی کم‌تری استفاده نموده است: «مرا چونان که بایست، دستی درانشاء نثر و انشاء نظم تازی نیست، که آن همه عبارت را روده‌درازی و اسب تازی کنم» (قائم مقام، ۱۳۳۷: ۹۵).

نثر فارسی پس از طی فراز و نشیب‌هایی، در دوره بازگشت ادبی در عهد قاجار ضمن آشنایی با فرهنگ اروپایی و تأثیرپذیری از آن، به استواری و پختگی رسید. بسیاری از نویسندگان این دوره آثار متنوعی در انواع ادبی گوناگون با سبک‌های مختلف پدید آوردند. نسبت به تعدد آثار و اهمیت آن‌ها، نثر این دوره آنطور که شایسته است، مورد دقت و ارزیابی قرار نگرفت. دوره قاجار، دوره شکوفایی بسیاری از هنرها و رشد ادبیات خصوصاً نثر است. به طوری که انواع گوناگون سبک‌های نوشتاری از نثر فنی تا

سره‌نویسی و... در این دوره در کنار هم دیده می‌شود. نامه‌های قاجاری در ساده‌نویسی به زبان محاوره نزدیک می‌شود، به گونه‌ای که حتی کلام محاوره را در نامه‌های رسمی نیز به کار می‌برند.

ملک الشعراى بهار درباره ساده‌نویسی قائم مقام گفته است: «در ارسال مثل و آوردن شواهدی از زبان محاوره عصر، نظیر بیهقی و عنصر المعالی است و دیگران نظیرش را در نویسندگان قبل از او نمی‌توان یافت» (بهار، ۱۳۷۲: ۳۲۸). قائم مقام، خود نیز در نامه‌هایش به طور ضمنی بدین موضوع اشاره می‌کند: «کسی که یک سطر خوش شیوه و تمام بنویسد در قلمرو آذربایجان نبود» (قائم مقام، ۱۳۳۷: ۸۳). «نثر قائم مقام خلاف گذشتگان از عبارات سخت، پیچیده و دشوار، همچنین عبارات طولانی و سجع‌های خسته‌کننده و ذکر القاب و عناوین تملق آمیز و بکارگیری آیات و استشهادات بی‌مورد، به دور است. کوتاهی و صراحت و تناسب قال و مقال از ویژگی‌های بارز نثر اوست. «نوشته‌های قائم مقام به عنوان الگو و سرمشق در سرفصل تحول و در شیوه نثر فارسی به شمار می‌آید» (پناهی، ۱۳۷۶: ۱۰۹).

از ویژگی‌های مهم نثر قائم مقام ایجاز و کوتاهی جملات است. او کوشیده است تا از درازگویی‌های گذشتگان خود بپرهیزد و عبارات زایدی را که آنان در وصف، مدح و یا تملق دیگران به کار می‌برده‌اند را از کلام خود دور کند. بکارگیری آیات و احادیث و یا اشعار را در نثر خود، جز در مواردی، به کار نمی‌برد و از حشوهای بی‌مورد می‌کاهد. «... و بالأخره نامه‌های او نسبت به رسم و عادت آن زمان جامع‌تر و فشرده‌تر و خاصه در مواردی که میل ندارد مطلبی را صریح بنویسد، موجز و کوتاه و با مقام و مقال متناسب است» (آرین‌پور، ۱۳۷۲: ۶۶).

نامه‌ها و منشآت قائم مقام

۱. نامه‌ها و منشآت سیاسی

این دسته از نامه‌ها که به رؤسای کشورها و شخصیت‌های نامدار سیاسی و دیپلمات‌ها نگاشته شده، در کمال سادگی و روانی است و از آرایش لفظ آنچنان که رسم بوده به دور است، مقصود، منظور، معنا و مفهوم در قالب عبارات و جملات ساده ریخته شده است در

این نوع نامه‌ها و منشآت قائم مقام به جای اینکه لفظ را با سجع و قافیه و شعر و مثل آرایش دهد در انتخاب کلمات توجه به نزاکت‌ها و لطافت‌های دیپلماسی را داشته است، تمام نامه‌ها از آغاز تا پایان در مورد یک موضوع بوده است اگر در عنوان نامه‌ها یک سلسله عبارات توصیفی از قبیل جناب معالی نصاب، نیکوخواه بلا اشتباه، و در آغاز نامه خطبه‌ای در توحید خدا و نعت پیامبران وجود دارد آنچنان مختصر و کوتاه است که به این حکم کلی لطمه‌ای نمی‌زند تنها در نامه‌ها و منشآت با امپراطوری عثمانی در ذکر اوصاف و القاب زائد، بیش‌تر کوشیده و مقدمه را طولانی‌تر کرده است که آن مقدار با توجه به رعایت سنت‌های دربار امپراطوری عثمانی لازم و ضروری بوده است.

نمونه نامه

از: میرزا ابوالقاسم قائم مقام (از قول فتحعلیشاه)

به: امپراطور روس

نامه‌ای که از طرف فتحعلیشاه به مناسبت کشته شدن گریبایدوف، سفیر روس نوشته شد.

«اول دفتر به نام ایزد دانا، صانع پروردگار حی توانا، وجودی بی مثل و مانند و میرا از چون و چند که عادل و عالم است و قاهر هر ظالم، پاداش هر نیک و بد را اندازه و حد نهاده، به حکمت بالغه خود، بدکاران را زجر و عذاب کند و نیکوکاران را اجر و ثواب بخشد و درود نامحدود بر روان پاک پیغمبران راستکار و پیشوایان فرخنده کردار باد و بعد، بر رای حقایق نمای پادشاه ذیجاه انصاف کیش و عدالت اندیش، تاجدار با زیب و فر، شهریار بحر و بر، برادر والاگهر خجسته اختر، امپراطور ممالک روسیه و مضافات، که دولتش با جاه و خطر است و رایتش با فتح و ظفر، مخفی و مستور ممانند که ایلچی آن دولت را در پایتخت این دولت، به اقتضای حوادث دهر و غوغای کسان او با جهال شهر، آسیبی رسید که تدبیر و تدارک آن بر ذمه کارگزاران این دوست واقعی واجب و لازم افتاد. لهذا اولاً برای تمهید مقدمات عذرخواهی و پاس شوکت و احترام آن برادر گرامی، فرزند ارجمند خود، خسرو میرزا را به پایتخت دولت بهیه روسیه فرستاد» (راوندی، ۱۳۴۰: ۲۱۶).

۲. نامه‌هایی برای اهل قلم

«مکاتباتی که قائم مقام به دانشمندان عصر و نویسندگان چیره دست نوشته است. یعنی طبقه‌ای که بر متون بلند قدر و دواوین شعرای نامدار اعم از عربی و فارسی احاطه

که سر گلابدان است ندانستم نامه خط شماسست یا نافه مشک ختا نگارخانه چین است یا نگارخانه عنبرین. دل می‌برد از آن خط نگارین، گوئی خط روی دلستان است پرسشی از حال کرده بودی از حال مبتلای فراق که جسمش اینجا و جان در عراق است چه می‌پرسی تا نه تصور کنی که بی تو صبورم. به خدا که بی آن جان عزیز شهر تبریز برای من تب خیز است بل که از ملک آذربایجان آذرها به جان دارم و از جان و عمر بی آن جان عمر بیزارم.

گفت معشوقی به عاشق کی فتی تو به غربت دیده‌ای بس شهرها
پس کدامین شهر از آن‌ها خوش‌تر است گفت آن شهری که در وی دلبر است
بلی فرقت یاران و تفریق میان جسم و جان بازیچه نیست لیس ما بنالعجب. ایام هجر
است و لیالی بی فجر. درد دوری هست تاب صبوری نیست. رنج حرمان موجود است راه
درمان مسدود. یا رب تو به فضل خویش باری زین ورطه هولناک برهانم همین بهتر که
چاره این بلا از حضرت جل و علا خواهم تا به فضل خدایی رسم جدائی از میان برافتند و
بخت بیدار و روز دیدار با دیگر روزی شود» (قائم مقام، ۱۳۳۷: ۲۹).

منشآت قائم مقام فراهانی

منشآت قائم مقام بی‌گمان یکی از شاهکارهای نثر فارسی است و با این مقام پیش از همه مرد سیاست و عمل است و نویسندگی او نیز به ایجاب ضرورت کار بوده، نه از راه تفنن یا هنرنمایی. او نوشته‌های خود را غالباً سرسری و با عجله انشا می‌کرده است. با این همه، نوشته‌های وی از ذوق و حسن و سلیقه مایه وافر دارد. معاصران قائم او را سید المترسلین و خداوند انشای فارسی خوانده‌اند. صاحب «ناسخ التواریخ» می‌گوید: «هنگامی که وی را به حکم محمدشاه بازداشت کردند، شاه گفت: قلم و قرطاس از دست او بگیرند و اگر خواهد شرحی به من نگار کند نیز نگذارید که سحری در قلم و جادوئی در بنان و بیان اوست که اگر خط او را بینم فریفته شوم و او را رها کنم» (سپهر، ۱۳۵۱: ۱۵۲).

اهمیت منشآت

الف. ارزش ادبی منشآت

منشآت قائم مقام به مقدار زیادی از عبارات متکلف و متصنع و مضامین پیچیده و نابجا کاسته و تا اندازه‌ای انشای خود را، به ویژه در مراسلات خصوصی به سادگی و گفتار

طبیعی نزدیک ساخته است. «نثر وی، بر خلاف آثار اسلاف او که پر از جمله‌ها و عبارتهای طویل و قرینه‌سازی‌های مکرر و سجع‌های خسته‌کننده است، جمله‌های کوتاه ترکیب‌یافته و قرینه‌ها به ندرت تکرار می‌شود. در تلفیق هر مزدوج دقت زیاد می‌کند و از سجع زیبایی که خاص سعدی و گلستان است، بهره‌مند می‌شود. از ذکر القاب و تعریف‌های تملق‌آمیز حتی المقذور اجتناب می‌ورزد. به اشعار فارسی و عربی و آیات قرآنی و احادیث و اخبار که شیوه نویسندگان سابق است، خیلی کم‌تر از اسلاف خود تمسک می‌جوید و بسیار بجا و به موقع به آن‌ها استشهاد می‌کند و گاهی از آوردن لغات و اصطلاحات تازه و متداول، که بکار بردن آن‌ها برای نویسندگان و منشیان محافظه کار بسیار سخت و دشوار بود، پروا نمی‌کند و بالأخره نامه‌های او نسبت به رسم و عادات آن زمان جامع‌تر و فشرده‌تر و به ویژه در مواردی که میل ندارد مطلبی را روشن و صریح بنویسد موجز و کوتاه و با مقام و مقال متناسب است» (یغمایی، ۱۳۸۹: ۱۵-۵۳).

ب. اهمیت تاریخی منشآت

منشآت آئینه تمام‌نمائی است که حقایق اوضاع اوایل عهد قاجار را بی‌کم و کاست و به دور از حب و بغض و تزویر و ریا و خویش‌داری منعکس می‌نماید، چه غالب این نوشته‌ها شامل دستورها، فرمان‌ها و گزارش‌هایی است که از جانب شاه و ولیعهد صادر شده و مربوط به وقایع روزمره دربار و دولت و امور جاری کشور بوده است و از خلال آن‌ها می‌توان به اوضاع سیاسی، اجتماعی و تاریخ ایران در آن عهد و نیز وضع دربار فتحعلی شاه و دسته‌بندی‌ها و تحریکات درباریان پی برد. به موجب این نامه‌ها درمی‌یابیم که چگونه اراده شاه بازیچه خواسته‌های اطرافیان شده است. از این نامه‌ها بسیاری مطالب تاریخی دیگر را می‌توان استنباط کرد که مورخان آن زمان به مقتضای حال و یا به سبب مصالح شخصی و یا عدم آگاهی و، سخنی از آن به میان نیاورده‌اند.

سبک منشآت قائم مقام

در منشآت سه شیوه ساده، بینابین و مصنوع دیده می‌شود؛ اما تکیه بر ساده‌نویسی است، ویژگی‌های نثر آن را می‌توان به اختصار چنین بیان کرد:

- خالی بودن از لغات ترکی و مغولی که در آن دوره مرسوم بود و از لغات روسی که تازه به فارسی راه یافته بود. توجه به زبان عامیانه و استفاده از اصطلاحاتی که با «پر» و یا «ک» تصغیر و تحیب و... ساخته می‌شد مانند پر مشتاق، دشمنک، چیزک، نوکرک و امثال آن.

- استفاده از قرینه‌هایی که به ندرت تکرار می‌شود.

- استفاده از سجع و ترصیع و موازنه در حد اعتدال.

- استفاده از اشعار و ضرب‌المثل‌ها به طرز بسیار زیبا و ماهرانه.

- از نظر شکل ظاهری بیش‌تر نثر است، گاهی نیز به تفنن از نظم استفاده کرده است.

- آوردن جمله‌های کوتاه.

مقایسه منشآت قائم مقام با گلستان سعدی

منشآت قائم‌مقام در بردارنده نامه‌هایی است که نویسنده در باب موضوعات مختلف نوشته است، برخی از نامه‌ها دوستانه، خانوادگی و برخی دیگر نامه‌های دولتی و یا نامه‌هایی است که به امرای وقت و امیرزادگان و... نوشته است. نثر منشآت آمیخته به نظم است با این تفاوت که درصد شعر در منشآت کم‌تر از «گلستان» است و اینکه بر خلاف «گلستان» تماماً از خود نویسنده نیست، قائم مقام در استفاده از اشعار و امثال و جمله‌های فارسی و عربی با مهارت، لطافت و ظرافت عمل کرده است. اما «گلستان» از نظر شکل ظاهری نثری آمیخته به نظم دارد، گاهی حکایاتی به تمامی در قالب شعر بیان شده است. دیباچه باب‌های هشت‌گانه‌اش عاری از سخنان تکلف‌آمیز و تلفیقی بین حکایت‌پردازی و مقامه‌نویسی است.

نامه‌ها و منشآت عهد ناصری (نامه‌های ناصرالدین شاه و امیرکبیر)

پس از قائم مقام باید از امیرکبیر نام برد که نثر او نیز تحت تأثیر نثر قائم مقام ساده است؛ «نثر امیرکبیر در این نامه‌ها همانند نثر قائم مقام ساده و بی‌تکلف است. اما نوشته‌های او بر خلاف آثار قائم مقام ارزش ادبی چندانی ندارد و نفوذ زبان ترکی از نظر

نگارش نیز در آن مشهود است. حداقل در نامه‌های روزانه او حسن ترکیب و زیبایی نگارش به چشم نمی‌خورد و البته امیر هم وقت چنین کارهایی را نداشته و معلوم است که آن‌ها را با سرعت و سردستی نوشته و چنین برمی‌آید که مجال بازخوانی و حذف کلمات مکرر را هم نداشته است» (آل داود، ۱۳۸۴: ۲۵). از ویژگی‌های زبانی نامه‌های عهد قاجار استفاده گسترده از زبان محاوره در متن نامه است این موضوع که پیش از این حداقل در نامه‌های دیوانی و شاهانه کم‌تر سابقه داشته است می‌تواند حتی به شناخت فرهنگ عامه در عهد قاجار کمک کند.

بررسی نامه‌های عهد ناصرالدین شاه در بخشی مستقل از دیگر نامه‌های عهد قاجار به دو دلیل عمده صورت می‌گیرد. نخست اینکه عهد ناصر روزگاری است که نامه‌نگاری در حالت نوین آن در ایران رواج می‌یابد و مورد توجه ویژه خود ناصرالدین شاه قرار می‌گیرد و دیگر اینکه نامه‌های امیرکبیر را نمی‌توان خارج از نامه‌های ناصرالدین شاه مورد بررسی قرار داد. بایگانی رسمی اسناد در ایران، از آغاز دوره ناصرالدین شاه و صدارت امیرکبیر آغاز گردید. امیرکبیر چنانکه از مضمون پاره‌ای از نامه برمی‌آید، در نگهداری نامه‌ها و منشآت رسمی دوران صدارت خود کوشیده است.

گردآوری اسناد پراکنده‌ای که تا کنون چاپ شده نیز از اهم کارهایی است که می‌توان انجام داد. پیش از دوره امیرکبیر یعنی در زمان حاج میرزا آقاسی، آشفتگی در این زمینه به حدی بود که به گفته جهانگیر میرزا پسر عباس میرزا نایب السلطنه مؤلف تاریخ نو، بعد از رفتن حاج میرزا آقاسی به کربلا، نوشتجاتی که امیرکبیر از ارزروم به اولیای دولت نوشته بود، همینطور در پاکت‌های باز نشده در صندوق حاج میرزا آقاسی به دست آمد. اما ظاهراً بعد از قتل امیر این رسم نیک او همچون بسیاری از کارهای پیراج دیگر به دست فراموشی سپرده شد. واقعه‌ای که اعتماد السلطنه از میرزا سعیدخان نصاری مؤتمن الملک که مدت ۲۲ سال وزارت خارجه ایران را پس از امیر بر عهده داشت نقل کرده عبرت انگیز و گویاست. او در خاطرات روزانه خود چنین می‌نویسد:

«صبح درب خانه رفتم، تفصیل غریبی مشاهده کردم. نهصد و هفتاد پاکت سربسته که غالباً نوشتجات سفرای ایران در خارج و اغلب مراسلات سفرای خارجه در ایران و نوشتجات سرحداران و غیره بود، در میان نوشتجات میرزا سعیدخان مرحوم پسرش جمع کرده حضور شاه فرستاده بود. این پاکت‌ها از بیست سال قبل بود الی چهارده

سال قبل. به خیال خود خدمت کرده بود. اما پدرش را تا ابد الدهر بدنام کرده است. وزیر خارجه که اینطور بی‌مبالات باشد وای به حال ایران. اما آن وزیر خارجه اگر بی-مبالات بود امین بود. وزیر خارجه حالیه، هم بی‌مبالات و هم خائن است. نوشتجات را شاه به ملک الشعرا [محمود خان] دادند که به کتابچه بچسباند. اما در دیباچه ننویسد که چطور این کاغذها پیدا شده. شاه می‌فرمود: از قرار گفته همین پسر که وزیر مرحوم، غالب نوشتجات را نخوانده به آب می‌انداخت» (افشار، ۱۳۴۵: ۵۶۷، ۵۶۸).

ناصرالدین شاه شخصاً علاقه‌ای به گردآوری اسناد داشته و نگهداری نامه‌های روزانه امیر، خود دلیلی بر این موضوع است. از این زمان اسناد به بایگانی وزارت خارجه منتقل گردید. اما تا پیش از دوران مشروطه همچنان بخشی از اسناد مهم سیاسی نزد رجال کشور و خانواده‌های آنان باقی می‌ماند که برخی از آنها اکنون در کتابخانه‌های مجلس، ملی، دانشگاه و ... نگهداری می‌شود. این مکتوبات اغلب با عجله نوشته شده و رسوم نگارش در آنها دقیقاً رعایت نشده و در برخی که به خط منشیان امیر بوده این موازین رعایت شده است. متأسفانه نامه‌های امیر بر خلاف نامه‌های شاه هیچ کدام تاریخ ندارد و از این رو نمی‌توان آنها را مرتب کرد و به جریان مسلسل حوادث روزانه اوایل دوران ناصرالدین شاه و صدارت امیر نظم بهتری داد. بیش‌تر این نامه‌ها به خط امیر و معدودی به خط منشیان او یعنی میرزا سعید خان مؤتمن‌الملک و میرزا محمدحسین ملک الکتاب‌فراهانی است. شادروان دوستعلی خان معیر‌الممالک گردآورنده نامه‌های امیر که خط امیر را به خوبی می‌شناخت، در حاشیه نخستین مجموعه نامه‌های خود شرحی نوشته به این عبارت: «در هر صفحه لفظ "امیر" نوشته شده است، خط مرحوم میرزا تقی‌خان امیرنظام است، بلا شک». و باید گفت در حاشیه اکثر نامه‌ها کلمه "امیر" را افزوده است.

در مجموع می‌توان نامه‌های عهد ناصری را از نظر محتوا به چند بخش تقسیم کرد:

- ۱- گزارش احوال روزانه مملکت به ناصرالدین شاه
- ۲- گزارش مذاکرات خود با سفرای روس و انگلیس به شاه و ارائه رهنمودهای لازم به ناصرالدین شاه برای مذاکره مستقیم با سفرا
- ۳- گزارش اوضاع داخلی ولایات به ویژه مناطقی که در آنجا حوادث مهمی روی داده چون مشهد و اصفهان

۴- طرح مسائل خانوادگی خود نزد شاه یا گزارش مسائل اندرون به شاه

۵- گزارش اوضاع اقتصادی و مالی کشور

۶- روابط شخصی با شاه

از جمله مطالب جالب توجه در این نامه‌ها طرح مسائل خانوادگی است. همسر /میرکبیر، عزت‌الدوله، خواهر بزرگ و تنی ناصرالدین شاه گاه مسائل فیما بین خود با شاه در میان نهاده می‌شد. در یکی از نامه‌ها امیر از عزت‌الدوله شکایت نموده و در نامه‌ای دیگر در باب ازدواج با او سخن رانده است. همچنین در یکی از نامه‌ها امیر به شاه اطلاع داده که به کن رفته و در آنجا از مادر پیرش عیادت کرده است.

«از جمله نامه‌های قابل توجه در عهد ناصری دو نامه کوتاه عاشقانه از ناصرالدین شاه است. این دو نامه کوتاه که در نوع خود بسیار قابل توجه‌اند، در قیاس با دیگر نامه‌ها و دستخط‌های ناصرالدین شاه، از شفقت و مهر و ملاحظت فراوانی برخوردارند و احساسات و عواطف عاشقانه‌اش را بازگو می‌کنند. متن یکی از نامه‌ها در باب دلتنگی است و متن دومی نوعی دلجویی بابت اتفاقی است که افتاده و نمی‌دانیم چیست. هر دو نامه خطابی و ساده و غیر ادبی و دلنشین‌اند و سرشار از دلجویی و نوازش. از اهمیت مقام نویسنده که بگذریم، از نوع نامه‌های عاشقانه معمول و مرسوم‌اند که تداوم و برقراری مهر و دلبستگی را تأکید می‌کنند» (آغداشلو، ۱۳۸۱: ۲۱۹-۲۲۵).

رویه سرسختانه /میرکبیر از همان آغاز صدارت برای او دشمنان فراوانی گرد آورده بود که به تدریج با توسعه اصلاحات امیر، بر تعداد آنان افزوده می‌شد. در رأس دشمنان امیر، مهد علیا مادر ناصرالدین شاه و مادرزن امیر، و میرزا آقاخان نوری اعتمادالدوله قرار داشتند. آنان سرانجام توانستند با توطئه چینی‌های مداوم ذهن شاه جوان و بی‌تجربه را مشوش ساخته و فرمان عزل امیر را از وی بگیرند. متن دستخط شاه چنین است:

«چون صدارت عظمی و وزارت کبری زحمت زیاد دارد، و تحمل این مشقت بر شما دشوار است، شما را از آن کار معاف کردیم. باید به کمال اطمینان مشغول امارت نظام باشید و یک قبضه شمشیر و یک قطعه نشان که علامت ریاست کل عساکر است فرستادیم به آن کار اقدام نمایید، تا امر محاسبه و سایر امور را به دیگران از چاکران که قابل باشند واگذاریم» (آل داوود، ۱۳۸۲: ۱۳).

بدین ترتیب امیر در ۱۹ محرم ۱۲۶۸ ق از صدارت برکنار شد، اما مثل گذشته منصب امیر نظامی را بر عهده داشت. ولی به جز امر نظام در سایر کارها حق مداخله نداشت. امیر در اواخر صفر ۱۲۶۸ ق همراه با همسر وفادارش عزت‌الدوله روانه کاشان شد. وقتی قرار شد آن‌ها را از تهران حرکت دهند، مهد علیا به خانه امیر آمد تا با عزت‌الدوله وداع کند و همین که وی را بوسید برای حفظ ظاهر به طرف امیر رفت که او را هم ببوسد، اما امیر خود را کنار کشید و گفت: من هیچ وقت عادت ندارم با زن بدکاره (امیر لفظ عامیانه مربوط به زنان بدکاره را به کار می‌برد) روبوسی کنم. ناصرالدین‌شاه در طی دستخط جداگانه‌ای خطاب به رئیس مستحفظین شیوه رفتار با امیر و خواهرش را مشخص کرد. متن این فرمان که اصل آن در کتابخانه سلطنتی سابق نگهداری می‌شود چنین است:

«حکم محکم سرکار اقدس همایون شاهنشاهی روحی فداه است که تخلف نورزند در باب محافظت نواب علیه شاهزاده خانم و میرزا تقی‌خان و میرزا احمد خان و والده میرزا تقی‌خان، همه اوقات مستحفظین با ادب و احترام حرکت کنند. هرگاه احدی از این‌ها فرار نمایند مستحفظین را سیاست بلیغ خواهند فرمود و باید قراولان ابدأ داخل اندرون میان غسل نشوند و از پشت بام‌ها نگاه به طرف اندرون نکنند؛ و اما هرچه وقت دارند در محافظت بکنند جائز است اما داخل اندرون نشوند و در بین راه هرگاه مکانی باشد که کالسکه عبور نکند، مضایقه نیست یک اسب کم دو آرام با یراق طلا و زین برگ خوب بدون طپانچه و شمشیر و آلات حرب سوار بشوند. هرگاه طبیعی لازم باشد برای معالجه، هر کدام را خودشان بخواهند حاضر سازند و چنانچه میلشان به تفرج باشد، پیاده مرخص هستند. میان باغ یا صحرا تفنگدار، قراول، سرباز، یوزباشی‌ها در کمال احترام همراه باشند و همچنین هر وقت میل نمودند از این قرار رفتار دارند و بعد از ورود کاشان از بابت خدمتکار و نوکر از قبیل پیشخدمت و فراش و صندوقدار و ناظر و قهوه‌چی و آبدار و ساربان و قاطرچی و از این بابت سان دیده به همه جهات زیاده از صد نفر نباشند. هرگاه خدای نخواستہ ناخوشی عام مثل وبا و غیره اتفاق افتاد، رؤسای مستحفظین اخبار خود را به عرض رسانند، هرچه حکم شود از آن قرار رفتار شود. پس از ورود در کاشان از جمع عمله‌جات و خدمتگزاران که سان دیدند، التزام بگیرند که هرگاه به احدی از آحاد کاغذی یا سفارشی یا پیغامی از جانب شاهزاده و میرزا تقی‌خان ببرند مورد مؤاخذه دیوان اعلی باشند و مأذون می‌باشند که آن شخص را حبس نمایند. حمام هر اوقات بخواهند بروند. میان باغ فین، حمام هست، با اطلاع حضرات یوزباشی‌ها و قراول بروند و باید سرکار نواب علیه شاهزاده و میرزا تقی‌خان و میرزا

محمدخان به احدی کاغذ ننویسند، به جز اینکه هرگاه مطلبی داشته باشد، به خدمت جناب صدر اعظم بنویسند. یوزباشیان به توسط چاپار روانه دارند و آلا نباید به احدی کاغذ بنویسند و نوکر و خدمتکار را برای شهر رفتن و بازار رفتن ابدأ در اندرون و متصل به اندرون نوکرها شبها نباشند، آلا خواجهها و خانه شاگردها که شبها به جهت خدمت باشند. مجدداً التزام از نوکرها بگیرند که در راه هستند و به اتفاق می‌روند مثل نوکر متوقف کاشان حرکت نمایند. اسباب اسلحه نباید احدی از نوکرها در بین راه و توقف کاشان در دست داشته باشند. آنچه اسلحه دارند کلاً را باز نمایند. آنچه اسب سواری بدو داشته باشند باید در جل نمد یدک مهتر باشد نه خودشان و نه نوکرهایشان سوار نشوند» (آل داوود، ۱۳۸۲: ۱۵)

امیر پس از عزل از صدارت جمعاً ۵۴ روز زنده بود. در این مدت گروهی چون سفیر روس کوشیدند شاه را از قتل وی منصرف سازند، اما اقدامات آنان نتیجه عکس داد.

نگارش نامه سرگشاده

نامه‌های سرگشاده نامه‌هایی است که بیش‌تر جنبه بیانیه یا اعلامیه دارند، این گونه نامه که در دوران معاصر بسیار رایج شده است و بعید نیست با توجه به منسوخ شدن گونه‌های دیگر نامه در عصر جدید و تحت تأثیر ابزارهایی مانند تلفن، تلگراف، اینترنت و... در آینده نامه‌های سرگشاده تنها گونه رایج نامه باقی بماند. در بررسی نامه‌های عهد قاجار، در سال‌های واپسین عصر مشروطیت نمونه‌هایی از این گونه نامه‌ها مشاهده می‌شود. در مورد اینکه آیا این نامه‌ها به طور قطع نخستین نامه‌های سرگشاده فارسی هستند یا نه نمی‌توان نظر داد اما نخست اینکه در دوران قاجار (نامه‌های قائم مقام و /میرکبیر و شاهان قاجار) هیچ نمونه نامه سرگشاده‌ای وجود ندارد و اصلاً رویه نامه‌نگاری با سرگشاده نوشتن نامه در تضاد است و دیگر اینکه نامه‌های سرگشاده عهد مشروطیت از سوی روشنفکران فرنگ رفته پیشنهاد شد و به نظر می‌رسد این گونه نامه‌نگاری از ادبیات اروپا الگو گرفته شده باشد.

نمونه‌ای از نامه‌های سرگشاده در عهد قاجار

در بین نامه‌های عهد مشروطیت نمونه‌ای از نامه‌های سرگشاده به چشم می‌خورد:

«و ایضاً آن‌هایی که بعد از تصویب مجلس دار الشوری و تصویب وزرا و اراده و امر اعلی حضرت شاهنشاهی حکومت فرمانفرما را بر تبریز مانع می‌شوند و در تلگراف پیش از نصب عزلش را می‌خواهند آیا مسئولیت را به گردن گرفته‌اند یا نه. آخر برای مملکت یک حاکم مسئول لازم است. این‌ها که مانع از آمدن حاکم هستند باید خودشان مسئول باشند. در حین مسئولیت، اول خون‌بهای مقتولین و بلکه قصاص مقتولین را از این‌ها مطالبه می‌نمائیم. دوم خصوصاً قصاص حاجی قاسم را. سیم زوال و تلفات مال و جان اطراف شهر را. چهارم ضرر و خسارت املاک را. پنجم ضرر و اضمحلال تجارت را. ششم خسارت گمرکات دولت را. هفتم زوال نوامیس دولت و مملکت و ملت را. هشتم زوال دین و مذهب و شریعت را. نهم که اگر خدانکرده خیال فاسد بعضی اشخاص سابق‌الذکر مجری شود که بالاتر از همه است. بر ذمه حضرات‌عالی واجب است که تحقیق بفرمائید که این مسئولیت را کدام یک از این‌ها بر ذمه می‌گیرد. آیا آقایان انجمن بر ذمه می‌گیرد و یا فلان و فلان. البته این مسئولیت را تحقیق فرموده در روزنامه مجلس و سایر روزنامه‌ها اعلان فرمائید تا تکلیف ملک و ملت معلوم شود. نمی‌دانم این‌ها را افسانه حساب خواهید فرمود، یا اینکه در خاطر مبارکتان اثری خواهد نمود. از قرار معلوم حضرات‌عالی وقایع نگار صحیح مخصوص ندارید و در تلگراف هم اطلاعات کافی نمی‌دهند. از این جهت کارها معوق می‌ماند. از تلگرافخانه وقوعات هر روزه را صحیحاً بخواهید. امضا بعد الامنیت عموم اثنی عشری» (افشار، ۱۳۷۹: ۵۲۴).

ویژگی‌های زبانی، نگارشی و دستوری نامه‌های عهد قاجار

تنوع سبک‌های نامه نگاری

نخستین و اصلی‌ترین ویژگی نامه‌های عهد قاجار تنوع سبکی در این دوره است. در مجموع انواع نامه با سبک و محتوای بسیار متنوع و گوناگون مشاهده می‌شود. بدون شک اصلی‌ترین سبک نامه‌نگاری در این دوره سبک درخشان قائم مقام فراهانی است که در آن نگارنده با قلم شیوا و درخشانش گره از دشوارنویسی در نثر فارسی می‌گشاید: «نامه نامی که نافه مشک‌تر و نسخه خط دلبر بود، در بهترین وقتی و خوش‌ترین وجهی رسید و ساحت خاطر را رشک باغ بهشت و موسم اردیبهشت ساخت. مهجور مشتاق را حالتی غریب پدید آمد که جان در گلشن عشرت داشت و دل در آتش حسرت. گاه از دیدن خط مکتوب منتعش؛ و گاه از ندیدن روی مطلوب مشتعل» (قائم مقام فراهانی، ۱۳۸۰: ۸۴).

«نثر پخته و مسجع قائم مقام هرچند غالب سرسری است، باز مایه وافری از ذوق و حُسن سلیقه در اوست، بالأخره پیرو مکتب گلستان سعدی است اما نمکی از خود دارد از جمله ویژگی‌های نثر زیبا و رسای او می‌توان شیرینی بیان و عذوبت الفاظ و حسن ادا، ترک استشهادات مکرر شعری از تازی و پارسی نام برد» (بهار، ۱۳۷۶: ۱۲۶-۱۲۵).

ساده‌نویسی که قائم مقام مبدع آن است اگرچه به سرعت رایج می‌شود اما چون دیگران قدرت قلم و هوش و ذکاوت او را ندارند با حذف آرایه‌ها و نثر مصنوع نامه‌هایشان بی‌رنگ و بو می‌شود. در مورد دوم می‌توان از نامه‌های ناصرالدین شاه نام برد. او در نامه‌ای به/میرکبیر چنین می‌نویسد:

«هو الله تعالی. جناب امیر نظام، ان شاء الله احوالتان خوب است. با کارهای زیاد امروز نمی‌دانم چه کرده‌اید. جواب کاغذهای روس و انگلیس را البته نوشتید. دیگر سلیمان‌خان افشارکی می‌رود، احکامش را گفتید بنویسند یا خیر؟ دیگر از سلامتی احوالتان و امورات دو کلمه قلمی نمائید مستحضر باشیم. فی شهر جمادی الثانی ۱۲۶۶» (آل داوود، ۱۳۸۲: ۱۲).

کاربردهای زبان عامیانه در نامه‌های این دوره

در زیر برخی از کاربردهای زبان عامیانه در نامه‌های این دوره با مراجعه مستقیم به متن نامه‌ها استخراج شده است:

دفع و رفع (ختم به خیر شدن): «در باب دعوای با روسیه، نوشته بودی که هرگاه ما امسال جنگ می‌کردیم، دفع و رفع روسیه ممکن بود» (بدیعی، ۱۳۷۳: ۱).

موقف (جای ایستادن): «کارهای روزگار ما همه نو و تازه است و مایه حیرت و تعجب بی اندازه. جناب میرزا محمد جعفر حکم و فتوی نوشته که هر کجا خسته و رنجور است در موکب منصور نماند، تا علت وبا در موقف والا نیفتد» (قائم مقام فراهانی، ۱۲۸۰: ۱۷۷).

سیورسات (سور و سات): «ما هرچه پول در اینجا داریم، از برای شما خواهیم فرستاد و موجب سیورسات سپاهی که در نزد شما خواهد ماند، از خود خواهیم داد» (بدیعی، ۱۳۷۳: ۵).

آمه ات (عهد و پیمان): «ما شاء الله خامهات که عنبربیز است و آمه ات عبیر آمیز، و نامه را عطر آمیز می‌کنی بازار خویش و آتش ما تیز می‌کنی» (قائم مقام فراهانی: ۹۵).

نیشته (نوشته) «نیشته‌ای است به میرزا بزرگ» (قائم مقام فراهانی: ۸۳).

حوادث ایام و توارد اسقام (پیاپی وارد شدن و با هم فرود آمدن بیماری‌ها):

«نواب نایب السلطنه روحی فداه با مشاغل لا تعد و لا تحصی که این اوقات دارند اوقات شریف را ملاحظه مسطورات آن مصروف داشته، همه کار را برکنار گذاشتند، و فی الحقیقه تفریح قبلی بعد از آن حوادث ایام و توارد اسقام فرمودند به آن فقرات ثلثه رسیدند» (قائم مقام فراهانی: ۸۸).

علاوه بر کاربرد اصطلاحات و تعابیر عامیانه، استفاده از اسامی افراد و مکان‌های خاص عهد قاجار نیز به محاوره شدن نثر و دور شدن آن از نثر رسمی کمک کرده است. در واقع از ویژگی‌های مهم نامه‌ها و ترسل عهد قاجار اعلام اسامی و ذکر پست‌های دولتی منتسب به دربار قاجار است که صرف نظر از ارزش ادبی آن، این مسأله در تاریخ پژوهی این دوره سرزمین ایران با لحاظ کردن محبت‌ها و یا خصومت‌ها بدون تردید دارای ارزش تاریخی است.

نتیجه بحث

این مقاله جهت معرفی و شناسایی جایگاه و ارزش ادبی نامه و نامه‌نگاری در عهد قاجار انجام یافته است. نثر فارسی پس از طی فراز و نشیب‌هایی، در بازگشت ادبی در دوره قاجار ضمن آشنایی با فرهنگ اروپایی و تأثیرپذیری از آن به استواری و پختگی رسیده است. بسیاری از نویسندگان این دوره آثار متنوعی در انواع ادبی گوناگون با سبک‌های مختلف پدید آورده‌اند. نسبت به تعدد آثار و اهمیت آن‌ها، نثر این دوره آنطور که شایسته است، مورد دقت و ارزیابی قرار نگرفته است. دوره قاجار دوره شکوفایی بسیاری از هنرها و رشد ادبیات خصوصاً نثر است. به طوری که انواع گوناگون سبک‌های نوشتاری از نثر فنی تا سرهنویسی و عربی‌گرایی در این دوره در کنار هم دیده می‌شود. نامه‌های قاجاری در ساده‌نویسی به زبان محاوره نزدیک می‌شود به گونه‌ای که حتی کلام محاوره را در نامه‌های رسمی نیز به کار می‌برد. علاوه بر کاربرد اصطلاحات و تعابیر

عامیانه، استفاده از اسامی افراد و مکان‌های خاص عهد قاجار نیز به محاوره شدن نثر و دور شدن آن از نثر رسمی و فخیم کمک کرده است. در واقع از ویژگی‌های مهم نامه‌ها و ترسل عهد قاجار اعلام اسامی و ذکر پست‌های دولتی منتسب به دربار قاجار است که صرف نظر از ارزش ادبی آن، این مسأله در تاریخ پژوهی این دوره سرزمین ایران با لحاظ کردن محبت‌ها و یا خصومت‌ها بدون تردید دارای ارزش تاریخی است.

کتابنامه

- اته، هرمان. ۱۳۵۱ش، *تاریخ ادبیات فارسی*، ترجمه رضازاده شفق، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- افشار، ایرج. ۱۳۴۰ش، *نامه‌های مشروطیت و مهاجرت؛ اسناد و مدارک دوره مشروطه*، تهران: نشر قطره.
- آرین پور، یحیی. ۱۳۷۹ش، *از صبا تا نیما*، چاپ هفتم، تهران: زوار.
- آقاسی، مهدی. ۱۳۵۰ش، *تاریخ خوی*، تبریز: انتشارات دانشگاه.
- بهار، محمد تقی. ۱۳۷۳ش، *سبک شناسی یا تطور نثر فارسی*، تهران: امیرکبیر.
- پناهی سمناهی، احمد. ۱۳۷۶ش، *قائم مقام فراهانی چهره درخشان ادب و سیاست*، تهران: نشر ندا.
- جهانگرد، فرانک. ۱۳۸۴ش، *تحول نثر فارسی در دوره قاجار*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تهران: دانشگاه تهران.
- خطیبی، حسین. ۱۳۶۶ش، *فن نثر در ادب فارسی*، تهران: انتشارات زوار.
- ریاحی، محمد امین. ۱۳۷۲ش، *تاریخ خوی*، تهران: انتشارات توس.
- زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۷۵ش، *از گذشته ادبی ایران*، تهران: الهدی.
- شمیسا، سیروس. ۱۳۸۶ش، *سبک شناسی نثر*، چاپ دهم، تهران: میترا.
- صفا، ذبیح الله. ۱۳۳۱ش، *تاریخ تحول نظم و نثر پارسی*، تهران: چاپ شرکت مطبوعات.
- صفوی، کورش. ۱۳۸۰ش، *از زبان شناسی به ادبیات*، ج ۲، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- عروضی سمرقندی. ۱۳۷۶ش، *چهار مقاله*، به کوشش دکتر قره بگلو، دکتر انزابی نژاد، تهران: انتشارات جام.
- قائم مقام فراهانی، میرزا ابوالقاسم. ۱۳۳۷ش، *منشآت قائم مقام*، به اهتمام جهانگیر قائم مقامی، تهران: ابن سینا.
- نفیسی، سعید. ۱۳۳۰ش، *شاهکارهای نثر فارسی معاصر*، تهران: کانون معرفت.
- هدایت، رضا قلی خان. ۱۳۸۲ش، *مجمع الفصحا*، به کوشش مظاهر مصفا، تهران: انتشارات امیرکبیر.

مقالات و مصاحبه‌ها

- استادی، رضا. ۱۳۷۳ش، «نامه میرزای قمی به فتحعلیشاه قاجار»، ۴، کیهان فرهنگی، فروردین، شماره ۱۰۸.
- آغداشلو، آیدین. ۱۳۸۱ش، «دو نامه عاشقانه از ناصرالدین شاه قاجار»، مجله بخارا، مرداد، شماره ۲۵.

- بدیعی، پرویز. ۱۳۷۳ش، «نامه فتحعلیشاه قاجار به فرزندش عباس میرزا»، گنجینه اسناد، زمستان، شماره ۱۶.
- جباریان، مصطفی. ۱۳۵۱ش، «نمونه نثر فصیح عصر قاجاریه»، مجله ارمنان، دوره چهل و یکم، شهریور، شماره ۶.
- گلبن، محمد. ۱۳۵۰ش، «چند نامه از سلطان احمد قاجار به میرزا حسن خان مشیر الدوله»، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره ۳۲.

Bibliography

- Ethe, Herman. 1972, History of Persian Literature, translated by Rezazadeh Shafaq, Tehran: Book Translation and Publishing Firm.
- Afshar, Iraj 1961, Letters of Constitutionalism and Immigration; Documents of the constitutional period, Tehran: Qatreh Publishing.
- Arianpour, Yahya. 2000, from Saba to Nima, seventh edition, Tehran: Zavar.
- Aghasi, Mehdi 1971, History of Khoy, Tabriz: University Press.
- Bahar, Mohammad Taqi 1994, Stylistics or Evolution of Persian Prose, Tehran: Amirkabir.
- Panahi Semnani, Ahmad. 1997, Ghaem Magham Farahani, the brilliant face of literature and politics, Tehran: Neda Publishing.
- Jahangard, Farank. 2005, The Evolution of Persian Prose in the Qajar Period, Faculty of Literature and Humanities, Tehran: University of Tehran.
- Khatibi, Hossein 1987, The Art of Prose in Persian Literature, Tehran: Zavar Publications.
- Riahi, Mohammad Amin 1993, History of Khoy, Tehran: Toos Publications.
- Zarrin Kob, Abdul Hussein 1996, From the Literary Past of Iran, Tehran: Al-Hoda.
- Shamisa, Sirus. 2007, Prose Stylistics, 10th Edition, Tehran: Mitra .
- Safa Zabihollah, 1952, History of the Evolution of Persian Poetry and Prose, Tehran: Press Company Press.
- Safavi, Kurosh. 2001, From Linguistics to Literature, Vol. 2, Tehran: Institute of Islamic Culture and Art.
- Oruzi Samarghandi. 1997, four articles, by the effort of Dr. Qara Begloo, Dr. Anzabi Nejad, Tehran: Jam Publications.
- Ghaem Magham Farahani, Mirza Abolghasem. 1958, Manshaat Ghaem Magham, by Jahangir Ghaem Magham, Tehran: Ibn Sina.
- Nafisi, Saeed. 1951, Masterpieces of Contemporary Persian Prose, Tehran: Knowledge Center.
- Hedayat, Reza Qoli Khan 2003, Al-Fasaha Assembly, by the effort of Mazaher Masfa, Tehran: Amirkabir Publications.

Articles and interviews

- Ostadi, Reza. 1994, "Mirza Qomi's letter to Fath Ali Shah Qajar", 4, Keihan Farhangi, March, No. 108.

- Aghdashloo, Aydin. 2002, "Two love letters from Nasser al-Din Shah Qajar", Bukhara Magazine, August, No. 25.
- Badiee, Parviz. 1994, "Letter of Fath Ali Shah Qajar to his son Abbas Mirza", Treasure of Documents, Winter, No. 16.
- Jabarian, Mustafa. 1972, "Sample of eloquent prose of the Qajar era", Armaghan Magazine, forty-first period, September, No. 6.
- Golben, Mohammad 1971, "Some letters from Sultan Ahmad Qajar to Mirza Hassan Khan Mushir al-Dawlah", Journal of Historical Studies, No. 32.

**Linguistic, Written and Grammatical Features of Qajar Era Letters; by
Focusing on Ghaem Magham and Amir Kabir**

Hamideh Mazhari Azad

PhD Candidate, Persian language and literature, Islamic Azad University,
Kerman branch

Maryam Shayegan

Assistant Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad
University, Kerman Branch

Abstract

In Qajar era, due to the lack of mass media on one hand and the expansion of the general level of literacy on the other hand caused the situation of people from different classes (kings and princes, scholars and clerics, open-minded educated people, poets and writers and even the common people) to be proposed, rather, many of the current issues to be mentioned in the letters, which have been less considered in official and administrative correspondence due to security and secret issues. This period, while from a historical point of view, Persian prose has been transitioning from artificial prose to technical prose; from a cultural and social point of view, correspondence was freed from the monopoly of kings, ministers, writers and people of grace, and the general public also tended to correspondence. This research tries to investigate the role and status of letters and correspondence in Persian prose by identifying the type of writing, terms and literary interpretations used and the ideas and themes of the types of letters left from the Qajar era.

Keywords: Correspondence Qajar Ghaem Magham Farahani Amirkabir.